مجلس کارآمد و انقلابی در نگاه امام و رهبر انقلاب

رأس امور

■ هادی قائم‌مقامی ■

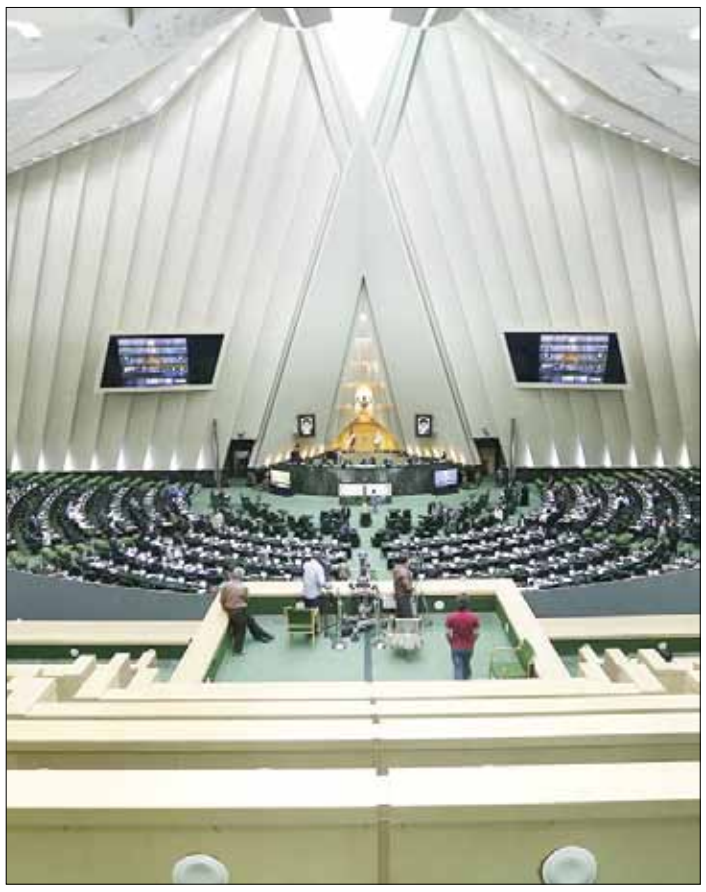

رجوع به اندیشه‌های امام و رهبری درباره تشکیل مجلس و چگونگی رأی دادن، در انتخاب فردی اصلح و تشکیل مجلسی کارآمد و در تراز انقلاب اسلامی بسیار کمک‌کننده خواهد بود. بازخوانی نظرات امام و رهبری درباره چگونگی رسیدن به گزینه اصلح می‌تواند شرایط مناسبی را برای انتخاب پیش روی مردم قرار دهد. امام راحل عظیم‌الشأن در گفتارهای فراوانی پیرامون اخلاق انتخاباتی صحبت کرده‌اند.

■ اگر شکست خوردید نگویید ملت خلاف کرده است

اگر شما خدمتگزار به کشور هستید، در مجلس یکجور خدمت می‌توانید بکنید، در خارج از مجلس هم یکجور خدمت دیگر. مگر همه اهالی ایران توی مجلس می‌روند؟ خوب، در مجلس هم یک عده معدودی هستند. اگر غرضی در کار نیست و می‌خواهید خدمت بکنید، حالا می‌بینید که شما رای نداشته‌اید، شما در خارج مجلس خدمت بکنید. تایید کنید این مجلس را. اینطور نباشد که منعکس کنید در خارج که خیر، مملکت ایران یک مملکتی است که انتخاباتش کذا شد. این حرف غلطی است. این حرف غلط را اینقدر نزنید. برای خاطر خدا توجه داشته باشید که یک مجلس شورا که مجلس شورای اسلامی است و می‌خواهد برای ایران خدمت کند و باید قوه داشته باشد، تنها مرکزی است که تمام قوا باید تبع آن باشند، شما بخواهید برای اینکه شما وکیل نشده‌اید در کجا، هیاهو کنید که انتخابات انتخابات کذا بوده؛ این حرف خلاف اسلام است. شکایت اگر هست، شکایت پذیرفته است. و مقاماتی که باید شکایت‌ها را بپذیرند، می‌پذیرند. اما هیاهوکردن و فریادزدن و انتقاد بیجا کردن، این برخلاف دستورات اسلام است. حالا اگر بعضی‌ها در انتخابات شکست خوردند نباید اینها که قصد خدمت داشتند منتها در مجلس حالا دست‌شان از آن کوتاه شده است، نباید یکسره ملت را به باد انتقاد بکشند. اگر شما شکست خوردید، نباید بگویید ملت ایران همه‌شان خلاف کرده‌اند. چطور یک ملت مسلمی، در یک امر حیاتی که با این آرامش و خوبی انجام داده است، اینها خیانتکار باشند؟ یک ملت که خیانتکار نمی‌تواند باشد. اشخاص باید آداب اسلامی را حفظ کنند. به مجرد اینکه یکی می‌خواهد وکیل بشود، و فرض کنید که دوست من است می‌خواهد وکیل بشود، یا از گروه من است می‌خواهد وکیل بشود و ملت او را وکیل نکردند، نباید یکدفعه قلم‌ها را بردارند و بر ضد اصل انتخابات چیز بنویسند، حمله کنند به اصل انتخابات. شکایتی دارند، خوب شکایت‌شان را رسیدگی می‌کنند. هیاهو درست کردن، جز اینکه دامن زدن به این است که خیانتکارها راهشان باز بشود، چیز دیگری نیست. مجلس تنها ملجایی است که برای یک ملت است. مجلس قوه مجتمع یک ملت است در یک گروه. تمام قوای یک ملت در یک گروه مجتمع است. و مجلس از همه مقاماتی که در یک کشوری هست بالاتر است. بنابراین یک همچو مقامی را نشکنید اینطور؛ ولو نمی‌توانید لکن اصل گفتنش، اصل ذکرش، کار قبیحی است و برخلاف مصلحت است و برخلاف مسلک اسلام است.[۱]

■ هدف از انتخابات حفظ اسلام است

نصیحتی است از پدری پیر به تمام نامزدهای مجلس شورای اسلامی که سعی کنید تبلیغات انتخاباتی شما در چارچوب تعالیم و اخلاق عالیه اسلام انجام شود؛ و از کارهایی که با شؤون اسلام منافات دارد جلوگیری گردد. باید توجه داشت که هدف از انتخابات در نهایت حفظ اسلام است. اگر در تبلیغات حریم مسائل اسلامی رعایت نشود، چگونه منتخب حافظ اسلام می‌شود. باید سعی شود تا خدای ناکرده به کسی توهین نگردد؛ و در صورتی که رقیب انتخاباتی به مجلس راه یافت، به دوستی و برادری،که چیزی شیرین‌تر از آن نیست، لطمه‌ای نخورد.[۲] موضوع اخلاق در سخنان رهبری نیز همواره یکی از موارد مهم و مورد تاکید بوده است.

■ تقوای جمعی

تقوای جمعی این است که جمع‌ها مراقب خودشان باشند. جمع به حیث جمع، مراقب خودشان باشند. بی‌مراقبتی جمع‌ها نسبت به مجموعه خودشان، موجب می‌شود که حتی آدم‌هایی هم که در بین آن جمع‌ها تقوای فردی دارند، با حرکت عمومی آن جمع‌ها بغلتند و به جایی بروند که نمی‌خواهند. در طول این ۳۰ سال، ما از این ناحیه ضربه خورده‌ایم. یکی از جاهایی که ضعف نشان داده‌ایم، همین بوده. در دهه‌های قبل، یک جریانی در کشور وجود داشت به نام جریان چپ. آنها شعارهای خوبی هم می‌دادند، اما خودشان را مراقبت نکردند و تقوای جمعی به خرج ندادند. در میان‌شان آدم‌هایی بودند که تقوای فردی هم داشتند، اما نداشتن تقوای جمعی، کار آنها را به جایی رساند که فتنه‌گر ضد امام حسین(علیه‌السلام) و ضد اسلام و ضد امام و ضد انقلاب توانست به آنها تکیه کند! آنها نیامدند شعار ضد امام و ضد انقلاب بدهند، اما شعاردهنده ضد امام و ضد انقلاب توانست به آنها تکیه کند؛ این خیلی خطر بزرگی است. آنها غلتیدند. بنابراین تقوای جمعی لازم است.[۳]

■ اخلاق اسلامی

شما ببینید: «ثمّ کان عاقبةَ الّذین اسائوا السّوأی». کار بد که می‌کنیم، روی دل ما اثر می‌گذارد، روی اخلاق ما اثر می‌گذارد، گاهی روی برداشت‌ها و تلقی‌های ما اثر می‌گذارد؛ دلبستگی که پیدا می‌کنیم، این دلبستگی روی ذهنیات ما اثر می‌گذارد. اعمال و رفتار از یک طرف، و اخلاق و تربیت از یک طرف؛ اینها تأثیر متقابل دارند

شما که می‌خواهید رعایت اخلاق اسلامی را در قوانین‌تان مورد توجه قرار بدهید، خوب است که عملاً هم جلسات اخلاقی و معرفتی داشته باشید. انسان خالی می‌شود. در بحبوحه کار، انسان تهی می‌شود. یک مقداری باید در وسط این گرماگرم کارهای اجرایی، آسمانی شد، خدایی شد، بالا رفت، سبک شد و دوباره برگشت. بنده یک وقتی مثال می‌زدم به این آبی که از آسمان می‌آید پاکیزه و طاهر و طیب، بعد توی این استخرها و توی این دریاها و دریاچه‌ها آلوده می‌شود؛ بعد از آلوده شدن، باز تبخیر می‌شود، می‌رود بالا؛ دوباره پاکیزه می‌شود، بازمی‌گردد. برویم بالا و پاکیزه شویم و بازگردیم. من و شما خیلی احتیاج داریم، خود شما باید به این نکته توجه کنید، نگذارید جوری بشود که مجلس شورای اسلامی آن حالت پارسایی و زهد را از دست بدهد؛ خیلی باید به این مساله توجه شود. بلاشک پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) هم حداقل روزی ۷۰ مرتبه استغفار می‌کرد. استغفار برای همه است؛ بویژه ماها که در این تحرکات مادی، در این دنیای مادی غرقیم و آلوده‌ایم. استغفار بخشی از این آلودگی را پاکیزه می‌کند و از بین می‌برد.[۴]

■ توجه به قرآن و دعا

اصل قضیه هم همان‌طور که عرض کردیم، مراقبت از خود است. خودسازی و مراقبت از خود، اساس همه این کارهاست که می‌تواند ان‌شاءالله همه ما را هدایت کند و خدای متعال باید کمک کند. از خدای متعال باید کمک خواست، باید استغاثه کرد، باید به قرآن و دعا و تضرع پناه برد. من از جمله سفارش‌هایی که گاهی قبلاً هم به دوستان نماینده مجلس عرض کردم، به مسؤولان دولت هم همینجور، این است که تلاوت قرآن را نگذارید از زندگی‌تان حذف شود. حتماً قرآن بخوانید؛ هر روز، ولو کم، ولو روزی یک صفحه؛ با تأمل و با دقت. اصرار ما بر این است که دوستان رابطه‌شان را با قرآن از دست ندهند. به آن ۱۰ دقیقه‌ای هم که در اول مجلس قرآن خوانده می‌شود، اکتفا نکنید.

اگرچه حالا یک سنت خوبی هم در مجلس هفتم گذاشته شد که ترجمه قرآن هم خوانده می‌شود که کار مفید و شایسته‌ای است، لیکن به او اکتفا نکنید. قرآن درس است، قرآن موعظه است؛ ما همه به موعظه احتیاج داریم. موعظه معنایش این نیست که چیزی را که انسان نمی‌داند، همیشه به آدم بگویند؛ گاهی چیزهایی است که ما می‌دانیم، اما در شنیدن اثری است که در دانستن نیست؛ باید بشنویم و قرآن به ما می‌شنواند. «موعظة من ربّکم». تعبیر وعظ و موعظه در قرآن مکرر به کار رفته است. قرآن موعظه است. و دعا! دعا هم خیلی چیز مهمی است و به نظر من صحیفه سجادیه مبارکه یکی از بهترین ذخایر معنوی ماست، اگر بتوانیم از این استفاده کنیم. با این دعاهای صحیفه سجادیه که هر کدامی یک بابی است، هر کدامی یک دنیای خاصی است، یک دریایی است و معارف را به انسان تعلیم می‌دهد، دل انسان را نرم می‌کند، خشوع را به انسان تعلیم می‌دهد، مأنوس باشید.[۵]

■ حاسبوا أنفسکم

چه خوب است که انسان - در هر مرتبه و در هر شغلی - وقتی به پشت سر خود نگاه می‌کند، در یک محاسبه دقیق و سختگیرانه و بدون مسامحه، فهرستی از کارهایی را مشاهده کند که قابل ارائه به پیشگاه الهی است. اینکه به ما گفته‌اند: «حاسبوا أنفسکم قبل أن تحاسبوا» و علمای سلوک و اخلاق، محاسبه را یکی از اولین وظایف سالک دانسته‌اند، برای این است که ما دائم در حال خواندن نامه عمل خودمان باشیم و در روزی که این نامه اعمال خوانده خواهد شد، غافلگیر نشویم. قبل از اینکه نامه اعمال ما در پیشگاه الهی مورد محاسبه و مطالعه قرار بگیرد، خود ما بخوانیم؛ اگر کمبودی هست، اصلاح کنیم؛ اگر نقطه قوتی در آن هست، خدا را بر آن سپاس بگزاریم. والّا اگر این محاسبه را انجام ندهیم و غافل بمانیم، آنوقت غافلگیر می‌شویم. همان‌طور که یک فرد باید خودش را محاسبه کند، یک جمع هم - مثل مجلس شما، مثل دولت‌ها، مثل مجموعه‌ها و افراد مسؤول در کشور - باید خودشان را محاسبه کنند.[۶]

جایگاه مجلس که با جمله‌ای پرمغز از امام با تعبیر «مجلس در رأس امور است»، در تاکیدات ایشان وجود داشته از مواردی است که افرادی که تلاش برای حضور در آن را دارند و نیز کسانی که در جایگاه رای‌دهنده این افراد را برمی‌گزینند، باید نسبت به آن توجه ویژه‌ای داشته باشند.

■ صف‌آرایی و جنگ اعصاب، برای مجلس طاغوت است

مجلس شورای اسلامی مجلس مشورت است، مجلسی است که باید متفکران، آقایان، مسائلی که مایحتاج ملت است و کشور است در میان بگذارند و با هم مشورت کنند. مباحثه کنند فقط آن چیزهایی که مربوط به ملت است و به اسلام. مجلس شورای اسلامی که شما آقایان وکیل هستید از طرف ملت برای خدمت در آن بنگاه، باید آنکه دلخواه ملت است در آنجا طرح بشود. و آنچه دلخواه اسلام است بحث و مشورت بشود. و به ترتیبی که مقرر است تصویب بشود و همه چیزش اسلامی باشد. اغراض شخصیه را باید همه ما کنار بگذاریم. فرضا که من با شما خدای نخواسته، یک حساب و خرده دارم، این در مجلس نباید، در مجلسی که مجلس اسلامی است نباید این خرده‌حساب‌ها را آنجا به آن رسید. مجلس شورای اسلامی در یک محفظه سربسته نیست که اگر خدای نخواسته انحرافی در آن پیدا شد همان اجزای خود مجلس بفهمند، این سرباز است و رادیو و تلویزیون این را منتشر می‌کند، همه ایران می‌بینند و می‌شنوند، و خارج از ایران هم تا آنجایی که موج اینها می‌رود، آنها هم می‌شنوند و می‌فهمند که چه شده است. اگر بنا باشد که خدای نخواسته از اول صف‌آرایی بشود برای جنگ اعصاب، و آن مجالسی که در زمان طاغوت بود، آن مجالس، باز محتوایش تکرار بشود، این مجلس اسلامی نیست، و آقایان به وظیفه شرعی و الهی خودشان عمل نکرده‌اند.[۷]

■ اینها حتی از اسم «اسلام» هم می‌ترسند

باید متوجه باشید. باید شما دشمن‌تان را بشناسید. اگر نشناسید، نمی‌توانید دفعش بکنید. دشمن شما آنهایند که از روز اولی که جمهوری اسلامی آمد توی کار یا تحریم کردند رای دادن را یا رفتند صندوق‌ها را آتش زدند؛ بعضی از صندوق‌ها را که توانستند، آتش زدند یا شکستند. آنهایی که تحریم کردند جمهوری اسلامی را، حالا آمده‌اند جمهوری اسلامی شده‌اند. آنهایی که آتش می‌زدند صندوق‌های آرای مردم را، برای جمهوری اسلامی حالا آمده‌اند طرفدار شده‌اند. این طرفداری نیست، این یک حقه‌بازی است به صورت طرفداری. اگر بخواهند بگویند من به اسلام کار ندارم و اسلامی نباشد، شورای اسلامی نباشد. اینها نه اینکه ملی‌اش را می‌خواهند، اسلامی‌اش را می‌خواهند نباشد، در صورتی که در قانون همچو ماده‌ای ندارد که «مجلس شورای ملی»، همچو چیزی هیچ در قانون نیست. بله، گفته‌اند از باب اینکه اسم باید ببرند یک چیزی را، «مجلس شورای ملی» گفته‌اند. اما نه اینکه قرار دادند که اسم این «مجلس شورای ملی» [باشد.] در ضمن مثل اینکه بگویند – مثلا - در مجلس شورا بگویند که در «کاخ سنا» چطور شده، این معنایش این نیست که الان قانون اسلامی ما «کاخ سنا» خواسته درست کند. این اسمی بوده آن وقت گفتند، حالا باید مجلس شورای اسلامی باشد. اینها حتی از اسم «اسلام» هم می‌ترسند؛ هی نق می‌زنند که نه، ملی، ملی.[۸]

■ مسامحه‌ها از کار باید برود

مجلس باید اسلامی باشد. مجلس باید افکارش افکار اسلامی باشد تا ما بتوانیم چه بکنیم. من نمی‌توانم تحمل بکنم که اینقدر ما جوان‌های‌مان از بین بروند برای اینکه ما مسامحه داریم می‌کنیم. مسامحه‌ها از کار باید برود، و باید حالا که مجلس تاسیس شد و مجلس رسمیت پیدا کرد، همه امور باید بر نظارت مجلس به روال خودش بگذرد، و با جدیت و با قاطعیت و بدون مسامحه، هر کس خلاف کرد بخواهند او را، و یا اگر خلافی واقعا کرده، بدهند او را دست دادگاه‌ها و دادگاه‌ها محاکمه‌اش کنند.[۹]

■ مجلس فراهم آمده از «الله اکبر»های مردم است

و من تکرار می‌کنم مجلس بالاترین مقام است در این مملکت. مجلس اگر رای داد و شورای نگهبان هم آن رای را پذیرفت، هیچکس حق ندارد یک کلمه راجع به این بگوید. من نمی‌گویم رای خودش را نگوید؛ بگوید؛ رای خودش را بگوید؛ اما اگر بخواهد فساد کند، به مردم بگوید که این شورای نگهبان کذا و این مجلس کذا، این فساد است، و مفسد است یک همچو آدمی، تحت تعقیب مفسد فی‌الارض باید قرار بگیرد. این مجلس ماحصل خون یک جمعیتی است که وفادار به اسلام بودند؛ و این مجلس عصاره زحمت‌های طاقت‌فرسای این ملت مسلمان بوده است؛ این مجلس فراهم آمده از «الله اکبر»های مردم است؛ اگر بنا باشد که این مجلس فراهم آمده از «الله اکبر» مردم قدمی برخلاف اسلام بگذارد، این مجلس مجلسی خواهد بود که برخلاف مسیر مسلمین عمل کرده. با تمام قدرت، بدون اینکه ملاحظه از احدی و از مقامی بشود، مجلس باید مسائل را طرح بکند. و رد و بدل و انتقاد صحیح، بدون جار و جنجال، بدون هیاهو، مسائل را بگویند. کسی که مخالف است مخالفت خودش را بدون هیاهو بگوید. آن که موافق است موافقت خودش را بدون جار و جنجال بگوید. و بعد هم رای بگیرند. وقتی رای گرفتند، اگر اکثریت رای داد، و بعد هم برده شد پیش شورای نگهبان و آنها هم صحیح دانستند این رای را، مخالف اسلام ندانستند و مخالف قانون اساسی ندانستند، اگر بعدها بخواهند شیطنت بکنند، این شیطنت‌ها از مبادی غضب، از مبادی فاسد، بیرون می‌آید. باید سر تسلیم به مجلس، یعنی سر تسلیم به اسلام وقتی مخالف اسلام نیست، سر تسلیم به اسلام فرود آورد. روش‌های غیراسلامی را، اگر هم در باطن - خدای نخواسته -دارند، نباید دیگر اظهار بکنند و نباید اذهان مردم را نسبت به مجلس مشوش کنند. این یک مساله‌ای است اساسی، و باید همه توجه داشته باشند. به مجرد اینکه یک مطلبی برخلاف رای یک نفر است، نباید بگوید مجلس درست نیست. این خودش را اصلاح کند. این خودش درست نیست. نباید بگوید شورای نگهبان درست نیست. این خودش درست نیست. باید خودش را اصلاح بکند. و این گرفتاری هست برای ملت ما. و من امیدوارم که مجلس یک مجلس اسلامی، مجلس عبادت باشد؛ نه مجلسی که - خدای نخواسته - معصیت در آن واقع بشود و به دیگران اهانت کنند؛ به کسی بد بگویند. اینها خلاف اسلام است. و نباید بشود.[۱۰]

همان‌طوری که من کرارا عرض کرده‌ام که دانشگاه و فیضیه، اینها اگر اصلاح بشود کشور اصلاح می‌شود، و همه کارهایی که در رژیم‌های منحرف انجام گرفته است به دست دانشگاهی‌هایی که انحراف داشته‌اند صورت گرفته است. راجع به مجلس هم باید عرض بکنم که در کشوری که مثل کشور ایران بحمدالله الان یک جمهوری اسلامی به تمام معنا هست و درصدد اسلامی کردن همه امور هست، مجلس مثل، همان‌طوری که صنایع مادر ما داریم، مجلس هم اینطور است که اگر مجلس یک مجلس اسلامی که با انتخابات صحیح انجام بگیرد، و اشخاصی که انتخاب می‌شوند واقعا منتخب ملت باشند، تمام کارهای کشور با دست مجلسی‌ها اصلاح می‌شود.[۱۱]

■ همین هم درست است

وقتی که انسان به ترکیب مجلس و بافت مجلس نگاه می‌کند، با توجه به اختلاف جناح‌ها و جهت‌گیری‌ها و سلایق سیاسی - که خوب، یک امر طبیعی است - مجلس را یک مجموعه شاداب، مؤمن و دارای احساس مسؤولیت می‌بیند. همین هم درست است.[۱۲]

ادب از که آموختی... من به‌خاطر دارم که اوایل انقلاب امام این را مکرر به یاد می‌آوردند که در مجالس دیگر در دنیا درگیری‌های شنیع و کتک‌کاری هست؛ اما تفاخر می‌کردند که در مجلس ما این حرف‌ها نیست؛ مباحثه و مجادله هست. این، مهم است. ما باید ببینیم دیگران چه می‌کنند که نقطه ضعف آنها محسوب می‌شود؛ از آن پرهیز کنیم.[۱۳]

■ مباحثه‌های طلبگی

بنده با مجادلات داخل مجلس هیچ مخالفتی ندارم؛ خیلی موافقم. امام (رضوان‌الله‌علیه) مکرر می‌فرمودند که مجلس جای مباحثه، مثل مباحثه‌های طلبگی است. ۲ نفر طلبه وقتی با همدیگر مباحثه می‌کنند، گاهی سر یکدیگر داد هم می‌کشند؛ اما این داد کشیدن نه از روی کینه است، نه از روی انگیزه‌های سیاسی است، نه از روی انگیزه‌های شخصی است؛ این شخص از حقیقتی که به نظر او حقیقت است، دفاع می‌کند، آن شخص هم از نظر خودش دفاع می‌کند؛ غالباً هم به یک نتیجه می‌رسند. فرق است بین جنجال صاحبنظران و مجادلات منطقی اصحاب علم و تجربه و تخصص، با غوغاهای دبستانی. انسان وقتی وارد دبستان می‌شود، سر و صدا و جنجال بلند است؛ به یک محیط علمی هم که پا می‌گذارد، عده‌ای نشسته‌اند و دارند با یکدیگر بحث می‌کنند؛ آنجا هم جنجال بلند است؛ اما این جنجال با آن جنجال فرق دارد. جنجال‌های دبستانی، جنجال‌های حزبی و جنجال‌های دلال‌مآبانه‌ای که چند نفر بر سر جیفه دنیا یقه هم را می‌گیرند، زشت و دون شأن مجلس است؛ اما مجادلات علمی، مباحثات تخصصی، بویژه در کمیسیون‌ها - که کمیسیون‌ها جای این حرف‌هاست - بسیار صحیح و درست است. با این روش، نشاط مجلس تأمین می‌شود و باید حتماً وجود داشته باشد.[۱۴]

■ «رحماءبینهم»

برای اینکه ما بنیان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خود را مستحکم کنیم، پیش‌نیاز اولی قطعی ما، ایجاد وفاق و وحدت کلمه است. برای وفاق باید همه تلاش کنند. معنای وفاق این نیست که گروه‌ها و تشکیلات و جناح‌های گوناگون اعلام انحلال کنند؛ نه، هیچ لزومی ندارد. معنای وفاق این است که نسبت به هم خوشبین باشند؛ «رحماء بینهم» باشند؛ همدیگر را تحمل کنند؛ در جهت ترسیم هدف‌های والا و عالی و برای رسیدن به آنها به یکدیگر کمک کنند و از ایجاد تشنج، بداخلاقی، درگیری، اهانت و متهم کردن بپرهیزند. امروز به نظر من وظیفه ما این است.[۱۵]

نباید بگذارید این مباحثات و بگومگوها به مقابله و مواجهه و تخاصم تبدیل شود؛ این تنها توصیه من به شماست. گفتن و شنودن و اعتراض کردن، هیچ اشکالی ندارد. افرادی از اعتراض کردن بدشان می‌آید که یا متکبرند یا پشتوانه مردمی ندارند؛ می‌ترسند؛ دلشان می‌لرزد. اگر کسی اهل تکبر نباشد - که خدای متعال را شکر می‌کنیم که این آلودگی را در ما قرار نداده - و متکی به حمایت مردم باشد، به هیچ وجه از این گفتن‌ها و شنیدن‌ها ناراحت نمی‌شود؛ اما مراقب باشید که از این گفت و شنودها، دشمن همان چیز را که می‌خواهد وانمود کند، به دست نیاورد. امروز یکی از مهم‌ترین شگردهای دشمن این است که بگوید در داخل نظام جمهوری اسلامی دودستگی است و این ۲ دسته با هم بدند. دوصدایی و چندصدایی که شما می‌گویید و بنده هم معتقدم، نمی‌گوید. بحث چندصدایی نیست؛ چندصدایی همه‌جا هست. می‌گوید مخاصمه و دشمنی؛ یعنی فرض می‌کند یک گروه، گروه دیگر را می‌خواهد نابود کند! اینگونه تصویر می‌کند. نگذارید این تصویرسازی مطلوب دشمن تحقق پیدا کند؛ این را مراقب باشید. بحث و مجادله و مباحثه و گفت‌وگو را طلبگی انجام دهید. امام هم مکرر به ما می‌فرمود. واقعیت هم همین است که در محیط‌های طلبگی، گاهی ۲ طلبه دعوا و جنجال می‌کنند؛ عصبانی می‌شوند، اما وقتی مباحثه تمام می‌شود، با یکدیگر ناهار و چایی می‌خورند و «لم یکن شیئاً مذکورا»! حرف‌های‌شان را می‌زنند، اما بینشان دشمنی و شکاف ایجاد نمی‌شود.[۱۶]

پی‌نوشت:

۱- بیانات امام خمینی (ره)؛ ۵۸/۱۲/۲۹
۲- بیانات امام خمینی (ره)؛ ۶۷/۱/۱۱
۳- رهبر معظم انقلاب ۱۳۹۰/۳/۸
۴- بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۸/۴/۳
۵- بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۷/۳/۲۱
۶- بیانات در دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۶/۳/۸
۷- بیانات امام خمینی (ره)؛ ۵۹/۳/۴
۸- بیانات امام خمینی (ره)؛ ۵۹/۴/۷
۹- بیانات امام خمینی (ره)؛ ۶۰/۳/۶
۱۰- بیانات امام خمینی (ره)؛ ۶۰/۳/۶
۱۱- بیانات امام خمینی (ره)؛ ۶۲/۳/۱۴
۱۲- بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹/۳/۱۸
۱۳- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار نمایندگان مجلس هفتم
۱۴- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار نمایندگان مجلس هفتم
۱۵- بیانات در دیدار نمایندگان مجلس – ۱۳۸۱/۳/۷
۱۶- بیانات در دیدار نمایندگان مجلس – ۱۳۸۲/۳/۷

اشاره

رأی انگلیسی، پیش‌فرض‌ها و فرمان احمقانه

پرویز امینی: «بی‌بی‌سی»؛ رسانه دولت سلطنتی انگلیس، خیلی صریح و روشن از مردم تهران خواسته به ۳ نفر از نامزدهای انتخابات خبرگان یعنی آقایان «جنتی»، «یزدی» و «مصباح» رأی ندهند یا با رأی دادن به فهرست مورد نظر جناب «هاشمی»، از انتخاب این ۳ نفر و ورود آنها به مجلس خبرگان پنجم جلوگیری کنند. این خواسته صریح رسانه دولتی انگلیس به نظرم ۲ پیش‌فرض اصلی می‌تواند داشته باشد.

پیش‌فرض اول این است که دولت انگلیس و رسانه آن برای خود آنچنان مقبولیت و نفوذی در مردم تهران قائلند که می‌توانند با فرمان مستقیم خود جهت آرا را تعیین کنند. خوب این پیش‌فرض زیادی احمقانه است.

مردم ایران همواره دارای حساسیت تاریخی نسبت به بیگانگان و دخالت آنها در امور خود بوده‌اند و این حساسیت درباره دولت انگلیس به دلیل تجربه تلخ استعماری آن در ایران، بویژه در تاریخ معاصر از سرکار آوردن «رضاخان» تا «محمدرضا پهلوی» تا دخالت در اجرای کودتای ۲۸ و ۳۲ مرداد و... مضاعف است. همواره یک نوع بدبینی و نفرت از این دولت در جامعه ما وجود داشته است و جزو خطاب‌های منفی مردم ما، انتساب افراد به انگلیسی بودن است. کسانی که روحیه حیله‌گری و فتنه‌گری و دوبه‌هم‌زنی دارند با انگلیسی خطاب شدن مورد سرزنش اجتماعی قرار می‌گیرند. انگلیس برای جامعه ما نماد روباه پیر استعمار و شعار تفرقه بینداز و حکومت کن است.

اما پیش‌فرض دوم به این مساله متکی است که این آقایان دارای چنان ظرفیت منفی اجتماعی هستند که احتمال رأی نیاوردن دارند و با این خواسته از مردم تهران در رأی ندادن به آنها می‌توان نتایج انتخابات را مصادره به مطلوب کرد و معنای مورد نظر خود را بر انتخابات پیش رو حاکم کرد.

البته این پیش‌فرض به اندازه پیش‌فرض اول زیاد احمقانه نیست و به هر حال در تجربه سیاسی طویل‌المدت برای هرکس امکان رخ دادن دارد که نمونه درجه اول و تاکنون بی‌همتای آن جناب هاشمی است که در یک دوره ۲۰ ساله از سال ۷۲ تا ۹۲ در داشتن ظرفیت منفی اجتماعی در ایران بی‌رقیب بوده است و ۲ چهره ناشناخته یعنی «خاتمی» و «احمدی‌نژاد»، متکی به مخالفت با او ۲ دوره رئیس‌جمهور شدند و ۲ چهره شناخته‌شده سیاسی یعنی «ناطق‌نوری» و «موسوی» به دلیل احساس انتساب به وی، یا مدت‌ها در سیاست منزوی یا به طور کلی شرایطی برای‌شان پیش آمد که از حاکمیت خارج شدند.

اما ورود مستقیم دولت انگلیس به مخالفت با آقایان جنتی، یزدی و مصباح ولو اینکه این پیش‌فرض واقعیت داشته باشد، به ضد خود تبدیل خواهد شد، چرا که اولا این ۳ نفر به نمادهای ضدانگلیسی تبدیل خواهند شد و مردم ایران این قدر تنفر از دخالت بیگانگان در امور داخلی خود و تنفر از دولت انگلیس دارند که به عکس خواسته آنها عمل کنند. در واقع رسانه دولتی انگلیس با این فرمان سیاسی به مردم تهران، اگر ظرفیت منفی‌ای نیز برای این ۳ نفر وجود داشت را، تحت‌الشعاع ظرفیت فوق‌العاده منفی دولت انگلیس به حاشیه برده است و چه بسا به ظرفیت مثبت برای آنها تبدیل کرده است.

از طرف دیگر با ترغیب مردم تهران به رأی دادن به فهرست هاشمی، این فهرست را فهرستی انگلیسی‌پسند معرفی کرده و به طور طبیعی عرصه را برای این افراد تنگ کرده است و احتمالا آنها را به واکنش وا خواهد داشت تا از ننگ انگلیسی‌پسند بودن برائت بجویند. برای آنها و برای منتسبان به آنها خیلی سخت خواهد بود در تاریخ ثبت شود که به ابزار بازی انگلیس در سیاست ایران تبدیل شده‌اند. شاید از جناب هاشمی چندان توقعی در زدودن این انگ نباشد اما سایرین در این فهرست بویژه ۸ نفر مشترک در ۲ فهرست مثل جناب «موحدی‌کرمانی»، «قمی» و... ولو از بابت مصلحت شخصی نیز شده است، لازم است پاسخ درخوری به این حسابی که روی آنها از سوی دولت انگلیس باز شده است، بدهند. من به جای این افراد بودم حداقل کاری که می‌کردم این بود که از این فهرست خارج می‌شدم و از آن اعلام برائت می‌کردم.

زیر ظاهر حرفه‌ای این رسانه‌ها نوعی حماقت عمیق پنهان شده است و بقا و تداوم جمهوری اسلامی در ۳۷ سال گذشته و توانایی آن در برگزاری با شکوه راهپیمایی ۲۲ بهمن با حضور میلیونی مردم در آن که دولت‌هایی مثل انگلستان حتی یک مورد از آن را نتوانسته و نخواهند توانست به نفع خود برگزار کنند، به‌رغم اینکه دائما قوای رسانه‌ای خود را به لحاظ کمی و کیفی توسعه و گسترش داده‌اند، پرده‌برداری از این حماقت پنهان شده در پشت ظاهر حرفه‌ای آنهاست.